قدیر نظامی‌پور، عضو هیات‌علمی دانشگاه عالی دفاع ملی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

ورود به خاک عراق واقع‌گرایانه و منطقی بود

■ هنر امام و فرماندهان جنگ این بود که واقعیت و آرمان را قربانی دیگری نکردند

سیدپاسا عباس‌پور
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

جنگ هشت‌ساله تحمیلی عراق علیه ایران هنوز هم ابعاد ناگفته و ناخوانده زیادی دارد. این ابعاد ناگفته به‌ویژه از جنبه اندیشه قابلیت بازخوانی دارد و می‌تواند محرّک تامل و بازنگری باشد. شروع جنگ با فاصله کمی از پیروزی انقلاب اسلامی و رخدادهای سیاسی این دوره، وضعیت جنگی و رویارویی آن با مشکلات فراوان در عرصه اجتماعی، اقتصادی و بین‌الملل در فردای انقلاب، آرمان‌گرایی مسئولان و مدیران انقلابی و کشمکش‌های داخلی و اختلاف‌نظر در مدیریت سیاری از مسائل کشور و چگونگی مواجهه با دیگر رخدادهای هم‌زمان با پدیده جنگ و آثار آن موجد پرسش‌های فراوان است. در همین راستا به مناسبت آغاز هفته دفاع مقدس با قدیر نظامی‌پور، عضو هیات‌علمی دانشگاه عالی دفاع ملی گفت‌وگو کرده‌ایم. متن این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

■■■

با توجه به شرایط کشور و اتفاقاتی که در پرهه آغاز جنگ افتاده بود، تحلیل‌های گوناگونی درباره شروع جنگ شده است. تحلیل شما در این زمینه چیست؟

من فکر می‌کنم جنگ را شاید به عنوان مهم‌ترین حادثه ۵۰ سال اخیر باید بنگاه به‌کار و ابعاد و تاثیرگذاری آن در نظر گرفت. هم از جنبه تاثیرات مثبت و منفی و هم طول زمان و فراگیری آن و تاثیرگذاری آن باید دید؛ دوم، شاید مهم‌ترین حادثه کشور ما از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون باشد و دیگر حوادث طی انقلاب اسلامی را شاید نتوان گفت که هم‌وزن جنگ نبوده‌اند. من معتقدم وقوع جنگ را باید عمیق‌تر نگاه کرد. اشاره به این مقدمه مهم است که ایران طی نزدیک به ۲۰۰ سال گذشته با پنج جنگ بزرگ روبه‌رو شده؛ جنگ اول و دوم ایران و روس، جنگ اول و دوم جهانی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که عراق کشور آغازگر حمله بود. درخصوص این جنگ‌ها نیازبه مطالعه‌ای تطبیقی داریم که متاسفانه تاکنون بررسی تطبیقی در زمینه این پنج جنگ صورت نگرفته است. طی دو جنگ ایران و روس مناطق و سرزمین‌های بزرگی از ایران اشغال و جدا شدند. در جنگ‌های اول و دوم جهانی کشورمان دو بار اشغال شد و با اختصاب جنگ‌های پیشین، میزان خسارت‌ها و تخریب وارده به ایران اصلا قابل قیاس با جنگ تحمیلی نیست. میلیون‌ها نفر در جنگ از فقر، بیماری و قحطی کشته شدند و همه اینها متفاوت با مساله جنگ بود. درطول جنگ‌ها و پیامدهای سیاسی و بین‌المللی حوادث بعد از آن چهار یا پنج کشور موجد کودتایی از ایران جدا شدند. آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و بحرین که در دوره پهلوی از ایران جدا شد؛ و مناطق دیگری هم جدا شدند. مثل آزادات و هرات. تعداد کشته‌ها، تخریب‌ها و خسارت‌های این دوران بسیار زیاد است. لذا در مطالعه‌ای تطبیقی، مختصات جنگ ایران و عراق بسیار متفاوت با جنگ‌های گذشته است.

خوشبختانه طی جنگ تحمیلی یک سانتی‌متر از خاک ایران جدا نشد و در دست دشمن نماند. مجموع شهدای جنگ دویست و اندی هزار نفر بود. اگرچه خرابی‌های بسیاری به بار آمد اما با جنگ‌های گذشته قابل قیاس نیستند. این جنگ را می‌شود از جهات گوناگون با چهار جنگ دیگر مقایسه کرد. مثلا از نظر تلفن مردم در جنگ‌ها و اینکه آیا اصولا در آن جنگ‌ها شاهد ورود مردم بودند یا خیر؟ نظام حکمرانی ما در آن چهار جنگ چقدر متفاوت بود؟ نظام‌های سیاسی در آن دوران چقدر مشروعیت داشتند؟ مردم چقدر از این نظام‌ها دفاع می‌کردند؟ رهبری و هدایت جنگ‌ها در این دوران چقدر بود؟ وضعیت جنگ‌های پیشین، بسیار تلخی از اجتماعی، اقتصادی و ... را می‌توان بررسی و مقایسه کرد به حقایق بسیار تلخی از مقایسه چهار جنگ پیشین و متقابلا به حقایق بسیار شیرینی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دست پیدا کرد.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بیامد تحولی بزرگ به نام انقلاب اسلامی است. من هم خواهم بگویم نقطه عزیمت جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مدتی با قدیر نظامی‌پور، عضو هیات‌علمی دانشگاه عالی دفاع ملی گفت‌وگو کرده‌ایم. متن این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

با توجه به شرایط کشور و اتفاقاتی که در پرهه آغاز جنگ افتاده بود، تحلیل‌های گوناگونی درباره شروع جنگ شده است. تحلیل شما در این زمینه چیست؟

من فکر می‌کنم جنگ را شاید به عنوان مهم‌ترین حادثه ۵۰ سال اخیر باید بنگاه به‌کار و ابعاد و تاثیرگذاری آن در نظر گرفت. هم از جنبه تاثیرات مثبت و منفی و هم طول زمان و فراگیری آن و تاثیرگذاری آن باید دید؛ دوم، شاید مهم‌ترین حادثه کشور ما از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون باشد و دیگر حوادث طی انقلاب اسلامی را شاید نتوان گفت که هم‌وزن جنگ نبوده‌اند. من معتقدم وقوع جنگ را باید عمیق‌تر نگاه کرد. اشاره به این مقدمه مهم است که ایران طی نزدیک به ۲۰۰ سال گذشته با پنج جنگ بزرگ روبه‌رو شده؛ جنگ اول و دوم ایران و روس، جنگ اول و دوم جهانی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که عراق کشور آغازگر حمله بود. درخصوص این جنگ‌ها نیازبه مطالعه‌ای تطبیقی داریم که متاسفانه تاکنون بررسی تطبیقی در زمینه این پنج جنگ صورت نگرفته است. طی دو جنگ ایران و روس مناطق و سرزمین‌های بزرگی از ایران اشغال و جدا شدند. در جنگ‌های اول و دوم جهانی کشورمان دو بار اشغال شد و با اختصاب جنگ‌های پیشین، میزان خسارت‌ها و تخریب وارده به ایران اصلا قابل قیاس با جنگ تحمیلی نیست. میلیون‌ها نفر در جنگ از فقر، بیماری و قحطی کشته شدند و همه اینها متفاوت با مساله جنگ بود. درطول جنگ‌ها و پیامدهای سیاسی و بین‌المللی حوادث بعد از آن چهار یا پنج کشور موجد کودتایی از ایران جدا شدند. آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و بحرین که در دوره پهلوی از ایران جدا شد؛ و مناطق دیگری هم جدا شدند. مثل آزادات و هرات. تعداد کشته‌ها، تخریب‌ها و خسارت‌های این دوران بسیار زیاد است. لذا در مطالعه‌ای تطبیقی، مختصات جنگ ایران و عراق بسیار متفاوت با جنگ‌های گذشته است.

خوشبختانه طی جنگ تحمیلی یک سانتی‌متر از خاک ایران جدا نشد و در دست دشمن نماند. مجموع شهدای جنگ دویست و اندی هزار نفر بود. اگرچه خرابی‌های بسیاری به بار آمد اما با جنگ‌های گذشته قابل قیاس نیستند. این جنگ را می‌شود از جهات گوناگون با چهار جنگ دیگر مقایسه کرد. مثلا از نظر تلفن مردم در جنگ‌ها و اینکه آیا اصولا در آن جنگ‌ها شاهد ورود مردم بودند یا خیر؟ نظام حکمرانی ما در آن چهار جنگ چقدر متفاوت بود؟ نظام‌های سیاسی در آن دوران چقدر مشروعیت داشتند؟ مردم چقدر از این نظام‌ها دفاع می‌کردند؟ رهبری و هدایت جنگ‌ها در این دوران چقدر بود؟ وضعیت جنگ‌های پیشین، بسیار تلخی از اجتماعی، اقتصادی و ... را می‌توان بررسی و مقایسه کرد به حقایق بسیار شیرینی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دست پیدا کرد.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بیامد تحولی بزرگ به نام انقلاب اسلامی است. من هم خواهم بگویم نقطه عزیمت جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مدتی با قدیر نظامی‌پور، عضو هیات‌علمی دانشگاه عالی دفاع ملی گفت‌وگو کرده‌ایم. متن این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

با توجه به شرایط کشور و اتفاقاتی که در پرهه آغاز جنگ افتاده بود، تحلیل‌های گوناگونی درباره شروع جنگ شده است. تحلیل شما در این زمینه چیست؟

من فکر می‌کنم جنگ را شاید به عنوان مهم‌ترین حادثه ۵۰ سال اخیر باید بنگاه به‌کار و ابعاد و تاثیرگذاری آن در نظر گرفت. هم از جنبه تاثیرات مثبت و منفی و هم طول زمان و فراگیری آن و تاثیرگذاری آن باید دید؛ دوم، شاید مهم‌ترین حادثه کشور ما از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون باشد و دیگر حوادث طی انقلاب اسلامی را شاید نتوان گفت که هم‌وزن جنگ نبوده‌اند. من معتقدم وقوع جنگ را باید عمیق‌تر نگاه کرد. اشاره به این مقدمه مهم است که ایران طی نزدیک به ۲۰۰ سال گذشته با پنج جنگ بزرگ روبه‌رو شده؛ جنگ اول و دوم ایران و روس، جنگ اول و دوم جهانی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که عراق کشور آغازگر حمله بود. درخصوص این جنگ‌ها نیازبه مطالعه‌ای تطبیقی داریم که متاسفانه تاکنون بررسی تطبیقی در زمینه این پنج جنگ صورت نگرفته است. طی دو جنگ ایران و روس مناطق و سرزمین‌های بزرگی از ایران اشغال و جدا شدند. در جنگ‌های اول و دوم جهانی کشورمان دو بار اشغال شد و با اختصاب جنگ‌های پیشین، میزان خسارت‌ها و تخریب وارده به ایران اصلا قابل قیاس با جنگ تحمیلی نیست. میلیون‌ها نفر در جنگ از فقر، بیماری و قحطی کشته شدند و همه اینها متفاوت با مساله جنگ بود. درطول جنگ‌ها و پیامدهای سیاسی و بین‌المللی حوادث بعد از آن چهار یا پنج کشور موجد کودتایی از ایران جدا شدند. آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و بحرین که در دوره پهلوی از ایران جدا شد؛ و مناطق دیگری هم جدا شدند. مثل آزادات و هرات. تعداد کشته‌ها، تخریب‌ها و خسارت‌های این دوران بسیار زیاد است. لذا در مطالعه‌ای تطبیقی، مختصات جنگ ایران و عراق بسیار متفاوت با جنگ‌های گذشته است.

خوشبختانه طی جنگ تحمیلی یک سانتی‌متر از خاک ایران جدا نشد و در دست دشمن نماند. مجموع شهدای جنگ دویست و اندی هزار نفر بود. اگرچه خرابی‌های بسیاری به بار آمد اما با جنگ‌های گذشته قابل قیاس نیستند. این جنگ را می‌شود از جهات گوناگون با چهار جنگ دیگر مقایسه کرد. مثلا از نظر تلفن مردم در جنگ‌ها و اینکه آیا اصولا در آن جنگ‌ها شاهد ورود مردم بودند یا خیر؟ نظام حکمرانی ما در آن چهار جنگ چقدر متفاوت بود؟ نظام‌های سیاسی در آن دوران چقدر مشروعیت داشتند؟ مردم چقدر از این نظام‌ها دفاع می‌کردند؟ رهبری و هدایت جنگ‌ها در این دوران چقدر بود؟ وضعیت جنگ‌های پیشین، بسیار تلخی از اجتماعی، اقتصادی و ... را می‌توان بررسی و مقایسه کرد به حقایق بسیار شیرینی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دست پیدا کرد.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بیامد تحولی بزرگ به نام انقلاب اسلامی است. من هم خواهم بگویم نقطه عزیمت جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مدتی با قدیر نظامی‌پور، عضو هیات‌علمی دانشگاه عالی دفاع ملی گفت‌وگو کرده‌ایم. متن این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

با توجه به شرایط کشور و اتفاقاتی که در پرهه آغاز جنگ افتاده بود، تحلیل‌های گوناگونی درباره شروع جنگ شده است. تحلیل شما در این زمینه چیست؟

من فکر می‌کنم جنگ را شاید به عنوان مهم‌ترین حادثه ۵۰ سال اخیر باید بنگاه به‌کار و ابعاد و تاثیرگذاری آن در نظر گرفت. هم از جنبه تاثیرات مثبت و منفی و هم طول زمان و فراگیری آن و تاثیرگذاری آن باید دید؛ دوم، شاید مهم‌ترین حادثه کشور ما از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون باشد و دیگر حوادث طی انقلاب اسلامی را شاید نتوان گفت که هم‌وزن جنگ نبوده‌اند. من معتقدم وقوع جنگ را باید عمیق‌تر نگاه کرد. اشاره به این مقدمه مهم است که ایران طی نزدیک به ۲۰۰ سال گذشته با پنج جنگ بزرگ روبه‌رو شده؛ جنگ اول و دوم ایران و روس، جنگ اول و دوم جهانی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که عراق کشور آغازگر حمله بود. درخصوص این جنگ‌ها نیازبه مطالعه‌ای تطبیقی داریم که متاسفانه تاکنون بررسی تطبیقی در زمینه این پنج جنگ صورت نگرفته است. طی دو جنگ ایران و روس مناطق و سرزمین‌های بزرگی از ایران اشغال و جدا شدند. در جنگ‌های اول و دوم جهانی کشورمان دو بار اشغال شد و با اختصاب جنگ‌های پیشین، میزان خسارت‌ها و تخریب وارده به ایران اصلا قابل قیاس با جنگ تحمیلی نیست. میلیون‌ها نفر در جنگ از فقر، بیماری و قحطی کشته شدند و همه اینها متفاوت با مساله جنگ بود. درطول جنگ‌ها و پیامدهای سیاسی و بین‌المللی حوادث بعد از آن چهار یا پنج کشور موجد کودتایی از ایران جدا شدند. آذربایجان، ارمنستان، گرجستان و بحرین که در دوره پهلوی از ایران جدا شد؛ و مناطق دیگری هم جدا شدند. مثل آزادات و هرات. تعداد کشته‌ها، تخریب‌ها و خسارت‌های این دوران بسیار زیاد است. لذا در مطالعه‌ای تطبیقی، مختصات جنگ ایران و عراق بسیار متفاوت با جنگ‌های گذشته است.

خوشبختانه طی جنگ تحمیلی یک سانتی‌متر از خاک ایران جدا نشد و در دست دشمن نماند. مجموع شهدای جنگ دویست و اندی هزار نفر بود. اگرچه خرابی‌های بسیاری به بار آمد اما با جنگ‌های گذشته قابل قیاس نیستند. این جنگ را می‌شود از جهات گوناگون با چهار جنگ دیگر مقایسه کرد. مثلا از نظر تلفن مردم در جنگ‌ها و اینکه آیا اصولا در آن جنگ‌ها شاهد ورود مردم بودند یا خیر؟ نظام حکمرانی ما در آن چهار جنگ چقدر متفاوت بود؟ نظام‌های سیاسی در آن دوران چقدر مشروعیت داشتند؟ مردم چقدر از این نظام‌ها دفاع می‌کردند؟ رهبری و هدایت جنگ‌ها در این دوران چقدر بود؟ وضعیت جنگ‌های پیشین، بسیار تلخی از اجتماعی، اقتصادی و ... را می‌توان بررسی و مقایسه کرد به حقایق بسیار شیرینی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دست پیدا کرد.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بیامد تحولی بزرگ به نام انقلاب اسلامی است. من هم خواهم بگویم نقطه عزیمت جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مدتی با قدیر نظامی‌پور، عضو هیات‌علمی دانشگاه عالی دفاع ملی گفت‌وگو کرده‌ایم. متن این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.